

Readings and Prayers for the Sunday next before Lent Year C

<p>Collect Almighty Father, whose Son was revealed in majesty before he suffered death upon the cross: give us grace to perceive his glory, that we may be strengthened to suffer with him and be changed into his likeness, from glory to glory; who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever. Amen.</p>	<p>دعای شروع مراسم مقدس خداوند متعال، که فرزندت با عظمت پدیدار شد پیش از آنکه بر روی صلیب بمیرد: به ما لطفی عطا کن که بتوانیم جلالش را درک کنیم، قدرتی عطا کن که بتوانیم با او رنج ببریم و به سان او تغییر کنیم، از جلال به جلال؛ کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالابد.</p>
<p>Exodus 34.29-end Moses came down from Mount Sinai. As he came down from the mountain with the two tablets of the covenant* in his hand, Moses did not know that the skin of his face shone because he had been talking with God.³⁰When Aaron and all the Israelites saw Moses, the skin of his face was shining, and they were afraid to come near him. But Moses called to them; and Aaron and all the leaders of the congregation returned to him, and Moses spoke with them. Afterwards all the Israelites came near, and he gave them in commandment all that the Lord had spoken with him on Mount Sinai. When Moses had finished speaking with them, he put a veil on his face; but whenever Moses went in before the Lord to speak with him, he would take the veil off, until he came out; and when he came out, and told the Israelites what he had been commanded, the Israelites would see the face of Moses, that the skin of his face was shining; and Moses would put the veil on his face again, until he went in to speak with him.</p>	<p>کتاب خروج باب ۳۴: ۲۹ تا آخر وقتی موسی با دو لوح سنگی از کوه سینا فرود آمد، چهره اش بر اثر گفتگو با خدا می درخشید؛ ولی خود موسی از این درخشش خبر نداشت. هارون و قوم اسرائیل وقتی موسی را با آن صورت نورانی دیدند، ترسیدند به او نزدیک شوند. ولی موسی ایشان را به نزد خود خواند. آنوقت هارون و بزرگان قوم نزد او آمدند و موسی با ایشان سخن گفت. سپس تمام مردم پیش او آمدند و موسی دستوراتی را که خداوند در بالای کوه به او داده بود، به ایشان باز گفت. موسی پس از آنکه سخنانش تمام شد، نقابی بر صورت خود کشید. هر وقت موسی به خیمه عبادت می رفت تا با خداوند گفتگو کند، نقاب را از صورتش بر می داشت. وقتی از خیمه بیرون می آمد هر چه از خداوند شنیده بود برای قوم بازگو می کرد، و مردم صورت او را که می درخشید، می دیدند. سپس او نقاب را دوباره به صورت خود می کشید و نقاب بر صورت او بود تا وقتی که باز برای گفتگو با خداوند به خیمه عبادت داخل می شد.</p>
<p>Psalms 99 The Lord is king: let the peoples tremble; he is enthroned above the cherubim: let the earth shake. The Lord is great in Zion and high above all peoples. Let them praise your name, which is great and awesome; the Lord our God is holy. Mighty king, who loves justice, you have established equity; you have executed justice and righteousness in Jacob. Exalt the Lord our God; bow down before his footstool, for he is holy. Moses and Aaron among his priests and Samuel among those who call upon his name; they called upon the Lord and he answered them. He spoke to them out of the pillar of cloud; they kept his testimonies and the law that he gave them. You answered them, O Lord our God; you were a God who forgave them and pardoned them for their offences. Exalt the Lord our God and worship him upon his holy hill, for the Lord our God is holy.</p>	<p>مزامیر ۹۹ ای قومها بترسید، زیرا خداوند سلطنت می کند! ای تمام زمین بلرزید، زیرا خداوند بر تخت خود که بر بالای سرفرشتگان قرار دارد نشسته است! خداوند در اورشلیم جلوس فرموده و بر تمام قومها مسلط است. همه مردم نام بزرگ او را گرامی بدارند، زیرا او مقدس است. ای خدا، ای "پادشاه" مقدر (توانا)، تو انصاف را دوست داری. تو در اسرائیل عدالت و برابری را بنیاد نهاده ای. خداوند، خدای ما را ستایش کنید و در پیشگاه او به خاک بیفتید زیرا او مقدس است. وقتی موسی و هارون و سموئیل، مردان خدا، از خداوند کمک خواستند، او درخواست ایشان را مستجاب فرمود. او از میان ستون ابر با آنان سخن گفت و آنان احکام و دستورات او را اطاعت کردند. ای خداوند، خدای ما، تو دعای قوم خود را مستجاب نمودی و به آنها نشان دادی که خدایی بخشنده هستی؛ اما در عین حال آنها را بخاطر گناهانشان تنبیه نمودی. خداوند، خدای ما را حمد گوید و او را نزد کوه مقدسش در اورشلیم عبادت کنید، زیرا او مقدس است.</p>
<p>2 Corinthians 3.12-4.2 Since, then, we have such a hope, we act with great boldness, not like Moses, who put a veil over his face to keep the people of Israel from gazing at the end of the glory that* was being set aside. But their minds were hardened.</p>	<p>دوم قرنتیان بلب ۳: ۱۲-۴: ۲ پس چون می دانیم که این جلال نوین هیچگاه از بین نخواهد رفت، پیغام انجیل را با نهایت دلیری و اطمینان موعظه می کنیم؛ و نه همچون موسی، که نقابی به صورت خود زد تا قوم اسرائیل محو شدن جلال را از صورتش نبینند. اما نه فقط صورت موسی پوشیده بود، بلکه درک و فهم قوم او نیز زیر نقاب بود؛ و حتی امروز نیز که یهودیان کتاب</p>

<p>Indeed, to this very day, when they hear the reading of the old covenant, that same veil is still there, since only in Christ is it set aside. Indeed, to this very day whenever Moses is read, a veil lies over their minds; but when one turns to the Lord, the veil is removed. Now the Lord is the Spirit, and where the Spirit of the Lord is, there is freedom. And all of us, with unveiled faces, seeing the glory of the Lord as though reflected in a mirror, are being transformed into the same image from one degree of glory to another; for this comes from the Lord, the Spirit.</p> <p>Therefore, since it is by God's mercy that we are engaged in this ministry, we do not lose heart. We have renounced the shameful things that one hides; we refuse to practise cunning or to falsify God's word; but by the open statement of the truth we commend ourselves to the conscience of everyone in the sight of God.</p>	<p>آسمانی تورات را می‌خوانند، گویی بر قلب و فکرشان نقابی قرار دارد، و به همین علت نمی‌توانند به معنی واقعی تورات پی ببرند. این نقاب که مانع فهمیدن است، فقط با ایمان آوردن به مسیح برداشته می‌شود. بلی، حتی امروز نیز وقتی یهودیان نوشته‌های موسی را می‌خوانند، آن را درک نمی‌کنند، و تصور می‌کنند که راه نجات، همانا اطاعت از شریعت موسی است. اما هرگاه کسی از گناهان خود توبه کند و بسوی خداوند باز گردد، آنگاه آن نقاب از چشمانش برداشته می‌شود. خداوند روح حیات‌بخش است، و هر جا که روح خداست، در آنجا آزادی است، آزادی از تلاش و تقلا برای رسیدن به رستگاری از راه انجام تشریفات مذهبی. اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه‌ای روشن و شفاف، جلال خداوند را منعکس می‌کنیم؛ و در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان انجام می‌دهد، با جلالی روزافزون، بتدریج شبیه او می‌شویم. پس ما هرگز از این خدمت مهم دست نخواهیم کشید، زیرا خداست که از سر لطف، ما را به چنین خدمتی گمارده تا پیغام انجیل او را به مردم برسانیم. ما سعی نداریم با حيله و نیرنگ مردم را بسوی مسیح هدایت کنیم. ما نمی‌خواهیم کسی را فریب دهیم. هیچگاه سعی نمی‌کنیم کسی را وادار نماییم که به تعالیمی که برخلاف کتاب مقدس است، ایمان آورد. ما هرگز به چنین روشهای شرم‌آوری متوسل نمی‌شویم، بلکه خدا شاهد است که جز حقیقت و راستی، چیز دیگری را اعلام نمی‌نماییم، و امیدواریم که از این راه تأثیر نیکویی بر مردم بگذاریم.</p>
<p>Luke 9.28-36</p> <p>Now about eight days after these sayings Jesus* took with him Peter and John and James, and went up on the mountain to pray. And while he was praying, the appearance of his face changed, and his clothes became dazzling white. Suddenly they saw two men, Moses and Elijah, talking to him. They appeared in glory and were speaking of his departure, which he was about to accomplish at Jerusalem. Now Peter and his companions were weighed down with sleep; but since they had stayed awake,* they saw his glory and the two men who stood with him. Just as they were leaving him, Peter said to Jesus, 'Master, it is good for us to be here; let us make three dwellings,* one for you, one for Moses, and one for Elijah'—not knowing what he said. While he was saying this, a cloud came and overshadowed them; and they were terrified as they entered the cloud. Then from the cloud came a voice that said, 'This is my Son, my Chosen;* listen to him!' When the voice had spoken, Jesus was found alone. And they kept silent and in those days told no one any of the things they had seen.</p>	<p>انجیل لوقا باب ۹: ۲۸-۳۶</p> <p>هشت روز پس از این سخنان، عیسی به همراه پطرس، یعقوب و یوحنا، بر فراز تپه‌ای برآمد تا دعا کند. به هنگام دعا، ناگهان چهره عیسی نورانی شد و لباس او از سفیدی، چشم را خیره می‌کرد. در همان حال، دو مرد، یعنی موسی و الیاس، با ظاهری پرشکوه و نورانی ظاهر شدند و با عیسی درباره مرگ او که می‌بایست طبق خواست خدا، بزودی در اورشلیم واقع گردد، به گفتگو پرداختند. اما در این هنگام، پطرس و دوستانش را خواب در روده بود. وقتی بیدار شدند، عیسی و آن دو مرد را غرق در نور و جلال دیدند. هنگامی که موسی و الیاس آن محل را ترک می‌کردند پطرس که دستپاچه بود و نمی‌دانست چه می‌گوید، به عیسی گفت: "استاد، چه عالی است! همینجا بمانیم و سه سایبان بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای الیاس." سخن پطرس هنوز تمام نشده بود که ابری درخشان پدیدار گشت و وقتی بر ایشان سایه انداخت، شاگردان را ترس فرا گرفت. آنگاه از ابر ندایی در رسید که "اینست پسر محبوب من. سخنان او را بشنوید!" وقتی که ندا خاتمه یافت، متوجه شدند که عیسی تنهاست. آنان تا مدت‌ها، به کسی درباره این واقعه چیزی نگفتند.</p>
<p>Prayer after Communion</p> <p>Holy God, we see your glory in the face of Jesus Christ: may we who are partakers at his table reflect his life in word and deed, that all the world may know his power to change and save. This we ask through Jesus Christ our Lord. Amen.</p>	<p>دعای بعد از عشاء ربانی</p> <p>پروردگار منزه، جلالت را در سیمای عیسی مسیح می‌بینیم: باشد که ما نیز در سر میز او سهیم باشیم زندگی او را در کردار و رفتارمان منعکس کنیم، تا همه جهانیان از قدرتش آگاه شوند و تغییر کنند و نجات یابند. این چیزی است که بواسطه عیسی مسیح خواستاریم.</p>

First Reading: Exodus 34.29-end

A reading from the book of the Exodus

Moses came down from Mount Sinai.

As he came down from the mountain with the two tablets of the covenant in his hand, Moses did not know that the skin of his face shone because he had been talking with God.

When Aaron and all the Israelites saw Moses, the skin of his face was shining, and they were afraid to come near him.

But Moses called to them;

and Aaron and all the leaders of the congregation returned to him, and Moses spoke with them.

Afterwards all the Israelites came near,

and he gave them in commandment all that the Lord had spoken with him on Mount Sinai.

When Moses had finished speaking with them, he put a veil on his face;

but whenever Moses went in before the Lord to speak with him,

he would take the veil off, until he came out;

and when he came out, and told the Israelites what he had been commanded, the Israelites would see the face of Moses,

that the skin of his face was shining;

and Moses would put the veil on his face again,

until he went in to speak with God.

This is the word of the Lord

A reading from Paul's second letter to the church in Corinth

Since, then, we have such a hope, we act with great boldness, not like Moses, who put a veil over his face to keep the people of Israel from gazing at the end of the glory that was being set aside. But their minds were hardened. Indeed, to this very day, when they hear the reading of the old covenant, that same veil is still there, since only in Christ is it set aside. Indeed, to this very day whenever Moses is read, a veil lies over their minds; but when one turns to the Lord, the veil is removed. Now the Lord is the Spirit, and where the Spirit of the Lord is, there is freedom. And all of us, with unveiled faces, seeing the glory of the Lord as though reflected in a mirror, are being transformed into the same image from one degree of glory to another; for this comes from the Lord, the Spirit. Therefore, since it is by God's mercy that we are engaged in this ministry, we do not lose heart. We have renounced the shameful things that one hides; we refuse to practise cunning or to falsify God's word; but by the open statement of the truth we commend ourselves to the conscience of everyone in the sight of God.

پس چون می‌دانیم که این جلال نوین هیچگاه از بین نخواهد رفت، پیغام انجیل را با نهایت دلیری و اطمینان موعظه می‌کنیم؛ و نه همچون موسی، که نقابی به صورت خود زد تا قوم اسرائیل محو شدن جلال را از صورتش نبینند. اما نه فقط صورت موسی پوشیده بود، بلکه درک و فهم قوم او نیز زیر نقاب بود؛ و حتی امروز نیز که یهودیان کتاب آسمانی تورات را می‌خوانند، گویی بر قلب و فکرشان نقابی قرار دارد، و به همین علت نمی‌توانند به معنی واقعی تورات پی ببرند. این نقاب که مانع فهمیدن است، فقط با ایمان آوردن به مسیح برداشته می‌شود.

بلی، حتی امروز نیز وقتی یهودیان نوشته‌های موسی را می‌خوانند، آن را درک نمی‌کنند، و تصور اما هرگاه کسی از گناهان خود توبه کند و می‌کنند که راه نجات، همانا اطاعت از شریعت موسی است. خداوند روح حیات‌بخش است، و بسوی خداوند باز گردد، آنگاه آن نقاب از چشمانش برداشته می‌شود. هر جا که روح خداست، در آنجا آزادی است، آزادی از تلاش و تقلا برای رسیدن به رستگاری از راه اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه‌ای روشن و شفاف، انجام تشریفات مذهبی. جلال خداوند را منعکس می‌کنیم؛ و در اثر کاری که خداوند یعنی روح‌القدس در وجودمان انجام می‌دهد، با جلالی روزافزون، بتدریج شبیه او می‌شویم. پس ما هرگز از این خدمت مهم دست نخواهیم کشید، ما زیرا خداست که از سر لطف، ما را به چنین خدمتی گمارده تا پیغام انجیل او را به مردم برسانیم. سعی نداریم با حيله و نیرنگ مردم را بسوی مسیح هدایت کنیم. ما نمی‌خواهیم کسی را فریب دهیم. هیچگاه سعی نمی‌کنیم کسی را وادار نماییم که به تعالیمی که برخلاف کتاب مقدس است، ایمان آورد. ما هرگز به چنین روش‌های شرم‌آوری متوسل نمی‌شویم، بلکه خدا شاهد است که جز حقیقت و راستی، چیز دیگری را اعلام نمی‌نماییم، و امیدواریم که از این راه تأثیر نیکویی بر مردم بگذاریم.

This is the word of the Lord

Gospel Reading: Luke 9.28-36

The Lord be with you.

And also with you.

Hear the Gospel of our Lord Jesus Christ according to Luke.

Glory to you, O Lord.

Jesus took with him Peter and John and James, and went up on the mountain to pray. And while he was praying, the appearance of his face changed, and his clothes became dazzling white.

Suddenly they saw two men, Moses and Elijah, talking to him.

They appeared in glory and were speaking of his departure, which he was about to accomplish at Jerusalem.

Now Peter and his companions were weighed down with sleep; but since they had stayed awake, they saw his glory and the two men who stood with him.

Just as they were leaving him, Peter said to Jesus,

‘Master, it is good for us to be here; let us make three dwellings, one for you, one for Moses, and one for Elijah’—not knowing what he said.

While he was saying this, a cloud came and overshadowed them; and they were terrified as they entered the cloud.

Then from the cloud came a voice that said,

‘This is my Son, my Chosen; listen to him!’

When the voice had spoken, Jesus was found alone.

And they kept silent and in those days told no one any of the things they had seen.

This is the Gospel of the Lord.

Praise to you, O Christ.